

تاریخ نگری محدث قمی رحمة الله عليه

رحمت الله بانشی^۱

ناصر باقری بیدهندی^۲

چکیده

محدث قمی رحمة الله عليه بخش عمده‌ای از آثار علمی خود را به نگارش تاریخ اختصاص داد. علی‌رغم استقبال گسترده از آثار تاریخی وی، درباره نگرش تاریخی او پژوهش درخوری انجام نگرفته است. در این مقاله با نگاهی نوپردازانه به متن آثار تاریخی محدث قمی رحمة الله عليه بینش تاریخی نویسنده ترسیم گردید و روشن شد آغاز و پایان هستی را جلوه‌ای از مشیت الهی می‌داند که برای جهان و آفرینش آرمانی در نظر گرفته شده است. محدث قمی رحمة الله عليه نقش رهبران دینی و حاکمان را در سعادت و یا شقاوت جامعه برجسته می‌داند. تعریف و فایده‌مندی تاریخ از نظرگاه محدث قمی رحمة الله عليه شرح تجارب و احوال گذشتگان است و این تجربه انگیزی تاریخ، فایده و سودمندی روشنی در زندگی مادی و معنوی انسان دارد و راه رسیدن به کمال را به سالکان می‌نماید. بدین سان، می‌توان گفت اساس اندیشه و فهم تاریخ نگاری محدث قمی رحمة الله عليه بر اهمیت به ایده تحکیم ایمان و اعتقادات مذهبی جامعه شیعه استوار شده است. او تاریخ را کاربردی و مردمی می‌نگریست و می‌کوشید در زمانی که تألیف آثار علمی به زبان عربی ارزش بود به زبان فارسی و به شکلی روان اندیشه‌های خود را مکتوب کند.

کلیدواژگان

تاریخ نگاری، تاریخ نگری، محدث قمی، معصومین عليهم السلام.

مقدمه:

مکان و دوره تاریخی زندگی مورّخ با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، فضایی به وجود می‌آورد که شخصیت فکری و علمی مورخ در آن رشد می‌یابد و این شخصیت فکری و نوع اندیشه او در تاریخ نگاری وی انعکاس می‌یابد (آرام، ۱۳۸۶: ۴۹-۴۶).

محدث قمی رحمته الله علیه در دورانی از حیات جامعه اسلامی زندگی می‌کرد که شیعه تا آن زمان تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته بود. تأسیس دولت صفوی در قرن دهم هجری بزرگترین توفیق برای مذهب امامیه بود. در مدت ۲۳۰ ساله این حکومت، نزدیک به ۴۰ اثر با هدف نگارش تاریخ پدید آمد. تاریخ نگاران عصر صفوی تلاش کردند به مسائل اصلی مطرح در روند تاریخ مانند مبانی مشروعیت حکومت‌ها، علل برآمدن و برافتادن آنها بپردازند. آنان تقدیرگرایی برآمده از اسلام، تشیع و تصوف را مبنای اصلی فهم تاریخ قرار دادند و فلسفه و حکمت تاریخ مبتنی بر مشیت الهی، جبرگرایی و فردگرایی را رونق بخشیدند. بنابراین می‌توان تاریخ نگاری عصر صفوی را نوعی تاریخ نگاری دینی نامید (آرام، ۱۳۸۶: ۱۲).

نوشته‌های این دوره بیشتر در مناقب و امامت و تاریخ اسلام بود و نیز به سبب شدت یافتن مراسم عاشورا در زمان صفویه، مقتل نگاری رونق بیشتری گرفت، ولی علی‌رغم تلاش‌های گسترده و مفید برای پیشبرد فرهنگ تشیع، در این دوره دقت تاریخی وجود ندارد و از مصادر دقیق استفاده نشده است. با این حال، برپهنه فراخ تاریخ نگاری شیعه، تاریخ نگاری عصر صفوی به جهت فضای پدیداری متفاوت آن و ویژگی‌های منحصر به فرد و یگانه‌اش اهمیت بسیار دارد و تأثیر این دوره در تاریخ پس از خود چندان استوار است که برخی ادعا کرده‌اند ایران امروز، همان ایران صفوی است و عصر جدید از دوره صفوی آغاز می‌شود (جعفریان، ۱۳۷۹، الف، ج ۱: ۱۵).

پس از سقوط صفویه تا اوایل دوره قاجار (حک: ۱۱۶۰ ش- ۱۳۰۴ ش) دامنه خرافات و بدعت فزونی بیشتری گرفت. در زمان قاجاریه که بخش قابل توجه‌ای از حیات محدث قمی رحمته الله علیه را در بر می‌گیرد، نه تنها عالمان دینی بلکه دبیران حکومتی نیز به تألیف در حوزه تاریخ اسلام به ویژه مقتل نویسی پرداختند (جعفریان، ۱۳۸۴، ب: ۳۶). آنچه از لحاظ بینشی در آثار این دوره وجود دارد آن است که عمدتاً از زاویه غم و اندوه و مصیبت به قضیه نگاه شده و کوشیده شده تا پیش از آن که متنی تاریخی در اختیار بگذارند،

متنی حزن آور، آن هم به قصد روضه خوانی و برای مجلس عزاء و ماتم فراهم شود. از این رو، مطالب غیر مستند و آمارهای غلط در تاریخ نگاری این دوره رسوخ کرد (جعفریان، ۱۳۸۴، ب: ۳۸).

از سوی دیگر امواجی از شبهه به ایران هجوم آورد؛ تهاجم فرهنگی غرب علیه اسلام، پدید آمدن مذاهب ساختگی، پیدایش احزاب و جمعیت‌های مختلف با ایدئولوژی‌های الحادی و نغمه‌های باستان گرایی، با طرح ایران منهای اسلام و دهها مورد دیگر که همه این‌ها در دین ستیزی اشتراک نظر داشتند، ام‌القرای تشیع را نشانه رفته بود. در این هنگامه، شیخ عباس قمی رحمته الله علیه به عنوان محدث و مورخ شیعی که دین و مذهب خود را در برابر هجوم فرهنگ بیگانه می‌دید، با تعلق خاطر فزاینده خود به اسلام و مذهب تشیع برخاست تا از حریم حرم اسلام و تشیع دفاع نماید و این مهم در تدوین آثاری چون مفاتیح الجنان، سفینه البحار، نفس المهموم، منتهی الامال و الفوائد الرضویه که با رجوع به منابع و مآخذ معتبر اسلامی بود، جلوه‌گر می‌شود. کلیت آثار وی بیان‌گر این معناست که او توجه بسیاری به نیاز جامعه داشته و برای هدایت عامه مردم تلاش نموده است.

شرح حال و حیات علمی محدث قمی

۱- شرح حال:

شیخ عباس قمی رحمته الله علیه مشهور به محدث قمی، حدود سال ۱۲۹۴ هجری قمری در شهر قم زاده شد. پدرش محمدرضا رحمته الله علیه مردی صالح و پرهیزگار بود (قمی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۷۷؛ دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۳۸). مادرش زینب نیز به ایمان و پارسایی شهرت داشت (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۳۸). فرزندان محدث قمی رحمته الله علیه دو پسر و دو دختر بودند که پسران وی به نام‌های میرزا علی و میرزا محسن محدث زاده در نشر آثار پدر نقش مهمی داشتند (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۳۸).

شیخ عباس قمی رحمته الله علیه سرانجام شب سه شنبه، ۲۳ ذی الحجه سال ۱۳۵۹ قمری در سن ۶۶ سالگی پس از یک دوره بیماری به عالم باقی شتافت (تهرانی، ۱۴۰۴، ق، الف: ج ۱، قسم سوم: ۱۰۰۰) و پیکر او در صحن مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام کنار استادش محدث نوری به خاک سپرده شد (هزار، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

۲- حیات علمی:

محدث قمی رحمته الله علیه تحصیلات مقدماتی را نزد استادانی همچون آیت الله احمد طباطبایی قمی رحمته الله علیه (متوفای ۱۳۳۴ ه.ق) و آیت الله حاج میرزا محمد ارباب قمی رحمته الله علیه (متوفای ۱۳۴۱ ه.ق) در شهر قم فرا گرفت (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۴۵ و ۲۳۶). همچنین آقا شیخ ابوالقاسم قمی رحمته الله علیه استاد ادبیات شیخ عباس رحمته الله علیه در اوائل تحصیل بود (ر.ک: کنگره محدث قمی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱: ۱۲۹). افزون بر اینها در دست نوشته‌ای که از محدث قمی رحمته الله علیه به دست آمد، شیخ محمد حسین قمی رحمته الله علیه را به عنوان استاد خط خود معرفی کرده است (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۲۳۹).

حاج شیخ عباس قمی رحمته الله علیه سپس در سال ۱۳۱۶ قمری در سن ۲۲ سالگی برای تکمیل درس خود رهسپار نجف اشرف شد و در حلقه درس مدرّسان آن حوزه علمی از جمله آیت الله سید حسن صدر کاظمی رحمته الله علیه (متوفای ۱۳۵۴ ه.ق) (قمی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱۹)، شیخ الشریعه اصفهانی رحمته الله علیه (متوفای ۱۳۳۹ ه.ق) (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴: ۱۵۸)، سید ابوالحسن نقوی رحمته الله علیه (متوفای ۱۳۵۵ ه.ق) (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲۵: ۱۳۴)، حاج میرزا حسین نوری رحمته الله علیه (متوفای ۱۳۲۰ ه.ق) و آیت الله سید محمد کاظم یزدی رحمته الله علیه (متوفای ۱۳۳۷ ه.ق) (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۲۴۲). در این میان مرحوم علامه نوری رحمته الله علیه بیشترین تأثیر را در زندگی علمی محدث قمی داشته است.

محدث قمی رحمته الله علیه به مدت سه سال اقامت در نجف اشرف، در کنار تحصیل، به تألیف نیز مشغول بود (تهرانی، ۱۴۰۴، الف، ج ۱، قسم سوم: ۹۹۹). او پس از حدود ۶ سال به قم بازگشت و به درس و بحث بعضی از علما، به ویژه حاج میرزا محمد ارباب قمی رحمته الله علیه، حاضر شد و از کتابخانه او بهره گرفت (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۵۶).

محدث قمی رحمته الله علیه پس از ده سال اقامت در قم، سال ۱۳۳۲ در یک سفر زیارتی به مشهد مقدّس سفر کرد، ولی به پیشنهاد آیت الله حاج آقا حسین قمی رحمته الله علیه در مشهد ماندگار شد. وی در مدت اقامت ۲۲ ساله خود در مشهد توفیق یافت کتاب‌های متعددی تألیف کند که *نفس المهموم، الفوائد الرضویه، منتهی الآمال، تتمه المنتهی، مفاتیح الجنان و تحفة الاحباب* از جمله آن هاست (تهرانی، ۱۴۰۴، الف، ج ۱، قسم سوم: ۱۰۰۰).

۳- حوزه‌های تألیف:

تعدد و تنوع مضمون آثار محدث قمی رحمته الله علیه نشان روشنی از دایره وسیع دانش او

دارد. وی کوله باری از دانش‌های گوناگون رایج زمان خویش را در آثارش به نمایش گذاشته است. دانش‌هایی همچون حدیث، اعتقادات، اخلاق، تاریخ (مشمول بر سیره معصومان علیهم السلام) شرح حال صحابه و علمای اسلامی، مناقب و فضائل اهل بیت علیهم السلام، تاریخ خلفا، وقایع ایام و ماههای سال و... انساب، رجال، فقه، لغت، آداب و سنن اسلامی که خود نمایانگر پیچیدگی و دارای ابعاد بودن شخصیت مؤلف است، در این آثار موج می‌زند.

نگرش تاریخی محدث قمی رحمته الله علیه

محدث قمی در زمینه تاریخ و شرح حال نویسی تألیفات متعددی دارد که این مقال را مجال معرفی تمام آن‌ها نیست.^۱ از این رو مهم‌ترین آن‌ها (برای نمونه) معرفی اجمالی می‌شوند که عبارتند از: الف: در زمینه تاریخ و سیره معصومین علیهم السلام: ۱. *کحل البصر فی سیره سید البشر: فهرستی فشرده از سیره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله* است. ۲. *بیت الاحزان فی مصائب سیده النسوان*: کتابی است درباره تاریخ زندگی و مصیبت‌های حضرت زهرا علیها السلام. ۳. *نفس المهموم فی مقتل الحسین المظلوم علیه السلام*: این کتاب به زبان عربی است که به تصدیق برخی، از جمله بهترین کتاب‌های مقتل و تاریخ نهضت کربلا است. ۴. *الانوار البهیه فی تواریخ الحجج الالهیه*: شرح زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام و به زبان عربی است. ۵. *منتهی الآمال فی ذکر مصائب النبی و الآل*: شرح زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام به زبان فارسی است. ب. در زمینه تاریخ خلفا: ۱. *تمتة المنتهی فی وقایع ایام الخلفاء*: به زبان فارسی است که از خلافت ابوبکر (سال ۱۱ قمری) شروع و به خلافت مستعصم بالله آخرین خلیفه عباسی (سال ۶۵۶ هـ. ق) منتهی شده است. ج. رجال و تراجم نگاری: ۱. *تحفة الاحباب فی نوادر آثار الاصحاب*: کتابی است در شرح حال جمله‌ای از مشاهیر از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله، و معروفین از اصحاب ائمه هدی علیهم السلام و علمای زمان غیبت صغری. ۲. *الفوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة*: در شرح حال ۱۲۰۱ تن علمای امامیه از قرون نخستین هجری تا زمان حیات مؤلف و به زبان فارسی نگاشته شده است. ۳. *هدیه الاحباب فی ذکر المعروفین بالکنی و الاتقاب و الانساب*: رساله‌ای است در ذکر معروفین به القاب و کنی

۱ برای تفصیل بیشتر به کتاب «تاریخ نگاری محدث قمی» تألیف نویسنده این سطور مراجعه شود. چاپ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

از علماء فریقین و اصحاب ائمه هدی علیهم السلام ۴. *الکنی واللقاب*: به زبان عربی و یکی از کتاب‌های معتبر علم تراجم است. با مطالعه این آثار می‌توان نگرش تاریخی محدث قمی را دریافت کرد. منظور از بینش و نگرش در این جا زاویه نگاه است که از آن، به تاریخ و حوادث تاریخی می‌نگرد.

۱. آغاز و غایت تاریخ در اندیشه محدث قمی رحمته الله علیه

ادیان الهی به ویژه دین اسلام به عنوان آخرین دین که بسیاری از آموزه‌های دینی آن ریشه در دیگر ادیان الهی دارد و برای همیشه‌ی تاریخ و همه‌ی آدمیان آمده است، تاریخ را از مبدأ تا معاد در نظر داشته و دورنمایی روشن و هدف داری برای تاریخ ترسیم کرده و حرکت تاریخ را به سوی آن نشان می‌دهد. چنانکه بر اساس حکم قطعی و مسجل خداوند، بندگان صالح او زمین را به ارث خواهند برد و تقدیر و مشیت الهی مبتنی بر پیروزی حق بر باطل است^۱. همچنین در جای دیگر از زبان حضرت موسی اشاره فرمودند که زمین از آن خداوند است و آن را به هر که بخواهد به میراث خواهد داد و عاقبت از آن پارسایان است (اعراف: ۱۲۸). قرآن با این بیان، آینده‌ای روشن و مبتنی بر تدبیر پارسایان را نوید می‌دهد. در این آیات و دیگر آموزه‌های وحیانی، آینده مشخصی برای تاریخ وجود دارد که قطعاً تحقق خواهد یافت (واسعی، ۱۳۹۰: شماره ۴۰).

بنابراین آغاز و غایت تاریخ نزد محدث قمی رحمته الله علیه به تبع آن که موحد است، مطابق با آنچه در تمامی ادیان توحیدی مطرح بوده، بروز یافته است که بر اساس اعتقاد موحدین خداوند متعال با آفرینش و برگزیدن آدم، نقطه عطفی در آغاز تاریخ بشری رقم می‌زند و سیر این تاریخ نیز شکل گسترده همان حوادثی است که به هنگام آفرینش ایشان پدید آمد و دو جبهه خیر و شر رخ داد (ر.ک: طبری، ۱۴۱۵ق، الف، ج ۱: ۲۹۸؛ مقدسی، بی تا، ج ۲: ۸۳). از آنجا که محدث قمی رحمته الله علیه همچون سایر امامیه معتقد به اراده و اختیار انسان به خواست خداوند است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲: ۱۹۸؛ حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۰۱)، می‌توان گفت او آغاز و انجام هستی را جلوه‌ای از مشیت و لطف الهی می‌دانسته که نوعی تقدیر حاکم بر آن، سیر تحول آن را رقم می‌زند، منتها محدث قمی رحمته الله علیه این

۱ وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ «و همانا در (کتاب آسمانی) زبور (که) بعد از ذکر، (تورات، نازل شده) نوشتیم که قطعاً بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.» انبیاء

حاکمیت رانه با نگاه جبری، بلکه با نگاهی توأم با مصلحت که مسیری رو به تکامل را داشته و غایتی سعادت بخش را نوید می‌دهد، نگریسته است (قمی، بی‌تا، س: ۲۸). در چنین بینشی ظهور حضرت ولی عصر (عج) و گسترش عدالت در جامعه مهم‌ترین غایت تاریخ و نهایت منزلگاه هدایت انسان است. چنانکه درباره حضرت مهدی (عج) می‌گوید:

«این بزرگوار همان مهدی موعود است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدران بزرگوار او جمیعاً خبر دادند و اخبار فرمودند که او صاحب سیف است و دولت آل محمد در زمان ظهور او مستقر می‌شود، و از برای او دو غیبت خواهد بود یکی صغری و یکی کبری، و دنیا منقضی نخواهد شد مگر آنکه آن حضرت ظهور فرماید، و دنیا را پراز عدل و داد فرماید، پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد... و شیعیان او شب و روز منتظر آن نور عالمتاب می‌باشند امید است که شب طولانی ما به آخر رسیده باشد و طلوع فجر که فرج ما، در آن است نزدیک باشد» (قمی، بی‌تا، ب: ۱۷۹).

در این نگرش به تاریخ، برای جهان و آفرینش آرمانی در نظر گرفته می‌شود که تمام فراز و نشیب‌های تاریخی در جهت تحقق همین آرمان است. این غایت‌گرایی برای رسیدن به سعادت ابدی در جهان دیگر است (قمی، بی‌تا، م: ۲۸).

۲. محرک تاریخ در بینش محدث قمی رحمته الله علیه

چون غرض از آفرینش و خلقت از نگاه محدث قمی بندگی و رسیدن به نعمت‌های اخروی است، برای تحقق این امر، خداوند (بر اساس قاعده لطف) پیامبران و امامان را برای هدایت بشر فرستاد (قمی، بی‌تا، م: ۲۸). بنابراین می‌توان گفت در انگاره شیخ عباس قمی نقش رهبری (پیامبر و امام) در حرکت جامعه به سوی سعادت از مهم‌ترین مسائل است، که بایسته است رهبران دینی برای هدایت و ارشاد صحیح بندگان و نیز انس مردم با آنان و اعتماد به گفتارشان، از هر عیب که باعث نفرت مردم شود، مبرا بوده و در فضائل و کمالات از همه افراد برتر باشند (قمی، بی‌تا، م: ۲۸). گفتنی است، محدث قمی به حکم مثل مشهور «الناس علی دین ملوکهم»، در حکومت‌های اجتماعی نیز نقش خلفا و پادشاهان را در حرکت جامعه به سمت رستگاری یا شقاوت و بدبختی

برجسته می‌داند.^۱ چنانکه عامل مرگ محمد امین و زوال خلافت این خلیفه عباسی را اقبال بسیار او به لذات و اشتغال به لهو و لعب و ساز و طرب دانسته و به سروده‌هایی در این باره استناد می‌کند (قمی، ۱۳۸۷: ۳۲۴). همچنین در تأثیر عملکرد ناصر لدین الله یکی دیگر از خلفای عباسی (حک: ۶۲۲-۵۷۵) بر رفتار و زندگی مردم می‌نویسد:

«ناصر مردی صاحب عقل و شهامت و فطانت بود چون بر خلافت مستقر شد امر کرد هرچه شراب بود بریختند و آلات لهو و لعب را بشکستند، لاجرم بلاد به سبب عدل او معمور شد و رزق مردمان فراوان گشت، مردم به قصد تبرک به سمت بغداد می‌آمدند» (قمی، ۱۳۸۷: ۵۷۷).

در بینش محدث قمی حتی تغییر رفتار صاحبان قدرت، بر بالندگی و درماندگی حرکت جامعه مؤثر است. بدین معنا که عدالت رهبر رضایتمندی مردم را به همراه داشته و در نتیجه موجب شکوفایی و استمرار حکومت می‌شود، ولی اگر رئیس حکومت به ظلم و تعدی روی آورد، بنیان حکومتش به ناله و نفرین زبردستان ویران می‌شود. از این رو در سبب فراز و نشیب خلافت مکتفی بالله عباسی می‌گوید:

«چون مکتفی وارد بغداد شد امر کرد مطموره‌هایی که معتضد برای تعذیب مردم بنا کرده بود خراب کردند و مواضع آن را به صاحبانش رد کردند، زیرا که معتضد آنها را غصب کرده بود و امر کرد محبوسین را رها کردند و اموال بسیار بر ایشان قسمت کرد، قلوب رعیت به این جهت به او مایل شد و دعای گوی دولت او شدند و لکن در اخیارام خلافت خود حالش به عکس شد، خواست بنای قصری کند به ناحیه «شماسه» ضیاع و مزارع آن ناحیه را از صاحبانش غصب کرد و بناء قصر در آنجا نمود، مردمان زبان به نفرین او گشودند و دولتش سپری شد. هنوز قصر به پایان نرسیده بود که داعی مرگ را لبیک گفت» (قمی، ۱۳۸۷: ۴۵۵).

نکته قابل توجه دیگر در رویکرد محدث قمی به تاریخ، دخالت دادن بعضی اعمال در حدوث رویدادهای بعدی و تغییر سمت و سوی حرکت جامعه است. بدین سان عملکرد

۱ محدث قمی در شرح ماجرای واقعه حره و تجاوز بی رحمانه مسلم بن عقبه و سربازانش به مردم مدینه، علت آن را در بی دینی مردم شام به تبعیت از رهبران خود از جمله یزید ریشه یابی کرده است. رک: قمی، بی تا، د: ۲۰۹

مروان بن حکم را در قتل عثمان و نیز کشتن پدر را در کوتاهی خلافت منتصر عباسی مؤثر می‌داند (قمی، ۱۳۸۷: ۱۰۶ و ۴۰۷). چنانکه به ارتباط برخی حوادث با سنت‌ها و قضای الهی اشاره کرده است. از این رو هنگامی که به شرح حال جعفر برمکی و علت دگرگونی دولت آل برمک در زمان هارون الرشید می‌پردازد، در حاشیه‌ای برای این مطلب می‌نویسد: «این سبب که ذکر شد به حسب ظاهر است و عمده سبب قتل ایشان انتقام الهی بود از ایشان برای ابوالحسن موسی بن جعفر رحمته الله علیه» (قمی، ۱۳۸۷: ۳۱۲).

نیز در بخش مربوط به وقایع دوران خلافت مهتدی بالله عباسی پس از شرح قتل او، اینگونه می‌نگارد:

«ولکن در روایت وارد شده که سبب قتل او آن شد که حضرت امام حسن عسکری رحمته الله علیه را در حبس کرده بود و قصد کرده بود آن جناب را شهید کند، حق تعالی عمر او قطع کرد و طایفه اتراک به اعانت مردم بر او ریختند و خونش بریختند» (قمی، ۱۳۸۷: ۴۲۴).

۳. مفهوم و کاربرد تاریخ در نگرش محدث قمی رحمته الله علیه

محدث قمی همچون بسیاری از مورخان اسلامی پیش از خود، مضمون تاریخ را شرح حال انبیاء و اولیاء الهی، بزرگان و دانشمندان، حاکمان و انسان به طور کلی می‌داند. بنابراین تعریف، کاربرد و فایده‌مندی تاریخ از نظرگاه محدث قمی رحمته الله علیه، بر اساس نوع جهان بینی او که بر عناصر مذهبی استوار شده صورت بندی می‌شود. وی با تأسی از مضمون قرآن کریم و روایات اهل بیت رحمته الله علیه برای این نظر است که تاریخ، شرح تجارب و احوال گذشتگان است. از نظر او تاریخ، رهیافت‌هایی را به دست می‌دهد که گذشتگان برای برخورد با رویدادهای مختلف پی‌گرفته‌اند. از این رو، بُعد تجربه‌انگیزی تاریخ، فایده و سودمندی روشنی را در زندگی مادی و معنوی انسان دارد و راه رسیدن به اخلاق و قرب الهی را به سالکان طریق می‌نمایاند. چنانچه در آغازین صفحات برخی آثار خود که به عنوان مقدمه نگاشته شده به این مهم تصریح کرده و چنین می‌نویسد:

«در مطالعه احوال گذشتگان و سیر در وقایع ایام ایشان فوائد بسیار و منافع بی‌شمار

است و باعث زهد در دنیا و رغبت در آخرت می‌شود. از این رو، خداوند در کتاب شریف اشاره به احوال و آثار پیشینیان فرموده و امر نموده که نظر در عواقب امر ایشان کنیم و از ایشان پند و عبرت گیریم».

وی سپس به نامه ۳۱ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام استناد کرده و شاهد دیگری بر اندیشه تاریخی خود افزوده است.^۱ در همین راستاست که وقتی در تتمه المنتهی زشت‌کاری‌های یکی از قضات و ندیم‌های خاص مأمون عباسی به نام یحیی بن اکثم خراسانی را بیان می‌کند تاریخ نویسی را تنها مقدمه و بهانه‌ای برای عبرت‌گیری و پیشبرد اخلاق دانسته و چنین می‌نویسد:

«... ما در این رساله بنای تاریخ نویسی نداریم، بلکه تاریخ خلفا عنوان مطلب است و مقصد ذکر فوائد مهمه است که بر اهل علم مخفی نیست» (قمی، ۱۳۸۷: ۳۳۰).

بنابراین شیخ عباس قمی رحمته الله علیه اساساً تاریخ اسلام را معلم خوبی برای تربیت اسلامی می‌دانست، از این رو به تاریخ اسلام بها می‌داد همچنان که آثار وی بر این مدعا گواهی می‌دهد (قمی، ۱۴۱۷ق: ۱۲۹).

نکته دیگر در نگرش تاریخی محدث قمی رحمته الله علیه آن است که وی تاریخ اسلام را به عنوان یک مجموعه کل می‌نگریست و منحصر در تاریخ معصومین علیهم السلام نمی‌دانست. از این رو «تتمه المنتهی فی وقایع ایام الخلفا» را که با شیوه‌ای متفاوت با دیگر آثار اوست، به نگارش درآورد. ایشان همچنین کتاب «الفوائد الرضویه» را درباره علمای شیعه و الکنی و القاب را درباره هزار تن از دانشمندان بزرگ شیعه و سنی به شکل مختصر تألیف کرد. البته عمده تلاش شیخ عباس قمی رحمته الله علیه در تاریخ معصومین بود و سه کتاب «قره الباصرة فی تاریخ حجج الظاهرة»، «انوار البهیة فی تواریخ الحجج الالهیة» و «منتهی الامال» را در این رابطه به رشته تحریر درآورد و به طور خاص درباره معصومین علیهم السلام کتاب‌های متعددی نوشت که از جمله آن‌ها می‌توان «کحل البصر» درباره حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، «بیت الاحزان» درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و «نفس المهموم» درباره حضرت سید الشهداء علیه السلام نام برد. جالب‌ترین نکته‌ای که در بررسی این آثار دریافت می‌شود آن است که نویسنده محترم

۱. ر.ک: مقدمه مؤلف در الفوائد الرضویه، تتمه المنتهی، وقایع ایام.

در خلال این آثار تاریخی رویکردی تربیتی و اخلاقی داشته و تنها نقل تاریخ و گزارش وقایع را در سر نداشته است. چنانکه در *تتمة المنتهی* در اثناء ماجرای امین و مأمون عباسی، قضیه یکی از غلامان امین به نام احمد بن سلام را که در زندان همراه امین بوده به تفصیل می‌آورد. محدث قمی پند و اندرز را انگیزه شرح ماجرای مذکور دانسته و می‌نویسد:

«غرض من از نقل قضیه احمد بن سلام یک مطلب بود و آن بیان آن که ناظرین بدانند که سابقین چگونه مواظب بودند بر نماز شب که این مرد در حالی که محبوس بوده و از حیات خود مأیوس، چگونه اهتمام به تهجد دارد و می‌ترسد کشته شود در حالی که نماز وتر از او فوت شده باشد، از برای اهل غیرت مذهب جعفری این قضیه پند عظیمی است» (قمی، ۱۳۸۷: ۳۲۴).

در همین راستا وقتی به دوران خلافت محمد بن احمد القاهر بالله خلیفه عباسی (۳۲۰-۳۲۲) می‌پردازد، پس از بیان برخی ستم‌های او در زمان خلافت و چگونگی برکناری وی از قدرت، داستانی نقل می‌کند که بر اساس آن روزی همین خلیفه در مسجد جامع با لباسی مندرس می‌گشت و فریاد می‌زد:

«بر من تصدق کنید، همانا دیروز امیرالمؤمنین بوم و امروز از فقراء مسلمین می‌باشم».

مؤلف پس از نقل این داستان می‌نویسد:

«بس است از برای عاقل دانا همین یک قضیه که در بی‌اعتباری دنیا، نعوذ بالله از نکبات الزمان» (قمی، ۱۳۸۷: ۴۷۵).

اصول و مبانی حاکم بر نگارش تاریخی محدث قمی رحمته الله علیه

روشن است که آثار و تألیفات هر شخصی تجلی گاه باورها و مبانی فکری نویسنده آن بوده و میان این دو پیوندی عمیق وجود دارد که با مطالعه یک اثر می‌توان به باورها و انگیزه‌های پیدا و پنهان نویسنده آن دست یافت. مکتوبات تاریخی محدث قمی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این رو می‌توان گفت تعلقات دینی و عنصر مذهب، بیشتر قلم او را به ثبت و ضبط گزارش‌های همسو و پذیرفته شده مذهبی کشانده است.

۱. تعلقات مذهبی:

مبانی کلامی و برخی باورهای مذهبی مؤلف همچون علم مطلق معصومین علیهم السلام، مقام عصمت، نص در امامت، تغسیل و تکفین امام به وسیله امام بعدی، شهادت همه امامان و ... از مباحثی است که در اندیشه تاریخی محدث قمی رحمته الله علیه تأثیر راهبردی دارد.

۱.۱. علم مطلق:

علم مطلق بدین معناست که پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام معصوم علیه السلام نسبت به هر چه که در عالم اتفاق افتاده یا در آینده حادث می شود، آگاهی کامل دارند. موضوع علم امام، گستره آن، منبع این علم و سرانجام نسبت آن با علم غیب الهی مطالبی است که از همان قرون اولیه تاریخ تشیع معرکه نظرات مختلف بوده است، اما به نظر می رسد از قرن سوم به بعد به ویژه با نگارش کتاب هایی چون بصائر الدرجات صفار (متوفای ۲۹۰ هـ. ق) و الکافی شیخ کلینی (متوفای ۳۲۹ هـ. ق) که در آنها نوعی نظریه علم مطلق ائمه علیهم السلام با ذکر روایاتی با عبارت «علم به ما کان و ما یکون و ما هو کائن» تبیین شده، دانشمندان شیعه متمایل به این نظریه شدند و این دیدگاه مورد پذیرش عمومی شیعیان به ویژه در زمان های متأخر قرار گرفت (صفری فروشانی، ۱۳۸۶، شماره ۱۸: ۳۷-۷۶).

محدث قمی رحمته الله علیه نیز با همین رویکرد به تاریخ نظر داشته و در آثار خود از روایات بسیاری در این باره استفاده کرده و حتی فصل هایی را به علم امام و پیشگویی های آن بزرگواران اختصاص داده است (ر.ک: قمی، بی تا، ن: ۱۷ و ۲۷؛ قمی، ۱۳۸۷ ج ۱: ۲۶ و ۱۱۲). مثلاً مؤلف محترم در نفس المهموم فصلی به پیشگویی رسول خدا صلی الله علیه و آله از حادثه عاشورا اختصاص می دهد و درباره یاران امام حسین علیه السلام می نویسد:

«پیغمبر صلی الله علیه و آله در ضمن پیشگویی از شهادت حسین علیه السلام از آنها نام برده و فرموده: حسینم آن روز همراه یارانی است که گویا ستارگان آسمانند و در جانبازی به هم پیشدستی کنند، من گویا لشکرگاه و بارانداز و قبر آنها را می نگرم» (ر.ک: قمی، بی تا، ن: ۵۶۷).

همچنین در جای دیگر که مربوط به علم غیب امام علی علیه السلام است روایتی را نقل می کند که بر پایه آن امیرالمؤمنین علی علیه السلام حوادث مربوط به آینده خود و فرزندانش و نیز

حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس را تا امر دجال و پاره‌ای از ظهور قائم آل محمد علیه السلام بیان می‌کند (قمی، ۱۳۸۷، ج: ۱، ۳۸۹-۳۹۵).

۲.۱. عصمت

واژه عصمت از کلمه «عصم» اشتقاق یافته و عصم به معنای نگهداری و منع می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج: ۱۲، ۴۰۳). منظور از عصمت، وجود ملکه ای نفسانی و نیرویی است در انسان معصوم که او را از ارتکاب عملی که جایز نیست چه خطا و چه گناه نگه می‌دارد (بحرانی، ۱۴۱۷ق: ۵۵). شیعه و سنی در موضوع عصمت ائمه علیهم السلام اختلاف اساسی دارند و بقیه مسائلی که مورد اختلاف بین این دو گروه است همه تابع این مسأله بوده و از فروعات این اصل بشمار می‌رود. سنّیان می‌گویند عصمت از شرائط امام نیست و مردم می‌توانند برای خود امامی را اختیار کنند و از او پیروی نمایند. شیعه بر این باور است که رهبر جامعه و زعیم و امام مردم باید معصوم و عاری از گناه و هر گونه لغزش و خطا باشد (شریف مرتضی، ۱۴۱۰ق، ج: ۱، ۲۹۹). محدث قمی رحمته الله علیه نیز بر همین باور است. او پس از تصریح به لزوم عصمت پیغمبران و پاکی آنان از اوّل عمر تا به آخر، می‌نویسد:

«و باید امام معصوم باشد از گناهان کبیره و صغیره عمدتاً و سهواً، و عالم باشد به هرچه در امامت به آن محتاج است از علوم دینی و دنیوی» (قمی، بی‌تا، س: ۳۳).

محدث قمی رحمته الله علیه ضمن اجماعی دانستن عصمت انبیاء (و در پی آن عصمت ائمه) در میان شیعه، اخباری را که بر معصیت یا اشتباهی از انبیاء و ائمه اشاره کرده‌اند توجیه کرده و آورده است: شیعه اجماع نموده‌اند بر این مطلب، و اخباری که موهم صدور معصیت است از ایشان، محمول است بر ارتکاب مکروه و ترک اولی و چون نسبت به جلال مرتبه ایشان این نیز عظیم است، تعبیر به معصیت شده است (قمی، بی‌تا، س: ۲۹). بر همین اساس محدث قمی رحمته الله علیه تسلیم و انقیاد در برابر حضرات معصومین را لازم و اعتراض به ایشان را اعتراض بر خداوند می‌داند، زیرا که آنان حجت‌های خدا در زمین هستند (قمی، ۱۳۸۷، ج: ۱، ۵۳۵). وی اعتقاد به عصمت ائمه را از نشانه‌های شیعه

می‌داند. از این رو ملاحسین کاشفی رحمته الله علیه (متوفای ۹۱۰ هـ. ق) ^۱ را به دلیل قصیده‌ای که باور او را به عصمت امام می‌رساند شیعی دانسته است (قمی، ۱۳۸۵، ج: ۱، ۲۵۵).

۳.۱. تغسیل و تکفین امام علیه السلام:

از مباحث دیگری که در تاریخ نگاری محدث قمی رحمته الله علیه نمود بارزی دارد موضوع تغسیل و تکفین امام به وسیله امام بعدی است. بدین معنا که تنها امام می‌تواند امام را غسل دهد نه شخص دیگری و اگر گزارش‌های تاریخی افراد دیگری را متصدی این امر معرفی کرده‌اند به حسب ظاهر بوده و حقیقت چیز دیگری است. با این حساب، هیچ چیزی مانند دوری مسافت یا حبس نمی‌تواند مانع این کار شود. در نتیجه قدرت بر طی الارض ^۲ هم از دیگر صفات معصوم می‌شود که محدث قمی رحمته الله علیه در موارد متعددی از آثار تاریخی خود روایت‌هایی را گزینش کرده که حاکی از قدرت طی الارض معصومین علیهم السلام یا حواله چنین قدرتی به یاران و اصحاب خویش است (برای نمونه ر.ک: قمی، ۱۴۱۷ ق: ۲۲۸).

در همین راستا مؤلف رحمته الله علیه در ذیل روایتی از *تذکره الخوارج* سبط بن جوزی درباره کفن شدن امام حسین علیه السلام به وسیله غلام زهیر بن قین می‌نویسد:

«بدان که در جای خود ثابت شده است که متولی دفن و کفن معصوم باید معصوم باشد و امام را جز امام غسل ندهد و اگر امامی در مشرق از دنیا برود و وصی او در مغرب باشد خدا آنها را همراه کند. در ضمن احتجاجات حضرت رضا علیه السلام بر واقفه است که علی بن ابی حمزه بر او اعتراض کرد: از پدران برای ما روایت شده است که متصدی جنازه امام، جز امام نباشد، امام هشتم علیه السلام در جوابش فرمود: بگو بدانم که متصدی دفن امام حسین علیه السلام چه کسی بود؟ امام بود یا دیگری؟ گفت متصدی آن، علی بن الحسین علیه السلام بود. فرمود: علی بن الحسین کجا بود؟ او در کوفه زیر دست عبید الله زندانی بود؟ گفت: چنانچه ندانستند، بیرون شد و متصدی امر پدر گردید و برگشت. امام هشتم علیه السلام فرمود: آن که علی بن الحسین علیه السلام را توانا کرد که به کربلا آید و متصدی کار پدرش گردد، صاحب امامت را توانا می‌تواند

۱. درباره شیعی یا سنی بودن وی اختلاف است.

۲. طی الارض: در نور دیده شدن زمین، که شخصی بدون استفاده از وسایل مادی در لحظه‌ای مسافت طولانی را طی کند و از مکانی به مکان دیگر منتقل شود.

کرد که به بغداد آید و متصدی دفن پدر گردد با آنکه در زندان و اسیری هم نبوده است» (قمی، بی تا، ن: ۳۵۴).

شیخ عباس رحمته الله علیه معتقد است که موضوع غسل و دفن امام توسط امام دیگر موافق احادیث صحیحه و اصول مذهب بوده (قمی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۹۳۳) و بر اساس همین نگرش، غسل و دفن امام کاظم علیه السلام را به وسیله افراد دیگر ظاهر امر می داند و روایتی ذکر می کند که بر پایه آن حضرت امام رضا علیه السلام از مدینه با طی الارض به عراق آمد و پدر بزرگوارش را دفن نمود در حالی که دیگران ایشان را نمی شناختند و متوجه حقیقت مسأله نبودند (قمی، ۱۴۱۷ق،: ۱۷۳).

۴.۱. شهادت امامان:

موضوع شهادت همه امامان به وسیله سم یا شمشیر در میان دانشمندان شیعه شهرت دارد، به گونه ای که برخی چون شیخ صدوق رحمته الله علیه معتقدند اگر کسی چنین باوری نداشته باشد از جرگه امامیه بیرون است (شیخ صدوق، ۱۴۱۴ق: ۹۹). مستند طرفداران این نظریه روایاتی منسوب به ناحیه مقدسه بعضی از معصومین است که مفهوم آنها بر شهادت آن بزرگواران دلالت می کند (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۲: ۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷: ۲۱۷). در مقابل چنین نگره ای، برخی دیگر همچون شیخ مفید رحمته الله علیه به شهادت همه ی امامان اعتقاد ندارند (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، الف: ۱۳۱)، از این رو گزارش های وی درباره شهادت امامان یکسان نیست (خانجانی، ۱۳۹۲: ۱۵۱). هر چند تکرار روایت «ما منّا الا مسموم او مقتول»^۱ در آثار محدث قمی رحمته الله علیه قرینه ای است بر اعتقاد ایشان به اینکه تمامی ائمه علیهم السلام به مرگ طبیعی از دنیا نرفته اند، بلکه به وسیله سم یا ضربه شمشیر یا مانند آن به شهادت رسیده اند، ولی او عبارات متفاوتی درباره پایان عمر ایشان به کار گرفته است. به طوری که در نگاه اول به نظر می رسد وی نیز همانند شیخ مفید رحمته الله علیه ایده یکسانی درباره شهادت همه امامان ندارد. چنانکه در فصل بندی کتاب *متبھی الامال* که مهم ترین اثر او در سیره معصومین علیهم السلام است درباره امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام، از واژه وفات استفاده می کند، ولی پایان عمر بقیه امامان

۱ هیچ يك از ما از دنیا نرود، مگر مسموم (به زهر جفا) یا کشته شده (به شمشیر)

بزرگوار را با عبارت شهادت توصیف می‌کند. در کتاب «الانوار البهیة» نیز از تعبیر متفاوتی درباره رحلت ائمه استفاده می‌کند، اما برخلاف آن چه در منتهی الآمال آورده، به جز حضرت علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام که درباره‌شان واژه قتل و شهادت بکار برده در شرح بقیه امامان علیهم السلام از لفظ وفات استفاده کرده است. این دوگانگی در استخدام واژه‌ها نشان می‌دهد که محدث قمی رحمته الله علیه از این عبارات معنای خاص و دقیق را اراده نکرده، بلکه به نظر می‌رسد عبارات وفات، قتل و شهادت نزد وی مترادف بوده و یا در بکارگیری آن‌ها تسامح کرده است، شاهد چنین ادعایی استخدام دو واژه وفات و شهادت باهم در باب شهادت امام صادق علیه السلام است که این گونه می‌نگارد:

«فصل ششم: در وفات حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است؛ وفات کرد حضرت صادق علیه السلام در ماه شوال سنه یکصد و چهل و هشت به سبب انگور زهرآلود که منصور به آن حضرت خورانیده بود و در وقت شهادت از سنّ مبارکش شصت و پنج سال گذشته بود» (قمی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۴۰۴).

به همین شکل در کتاب «تممة المنتهی» در بیان رحلت امام جواد علیه السلام الفاظ وفات و شهادت را با هم بکار برده و می‌نویسد:

«در سال ۲۲۰ امام محمد تقی علیه السلام در بغداد وفات یافت. در سبب شهادت آن حضرت اختلاف است...» (قمی، ۱۳۸۷: ۳۷۳).

این عبارات نشان می‌دهد این دو کلمه معنای متفاوتی نزد مؤلف نداشته و دیدگاه محدث قمی در این موضوع همسو با شیخ صدوق و همفکرانش است. از این رو در تاریخ‌نگاری محدث قمی همیشه کسانی هستند که نسبت به حضرات معصومین دشمنی و کینه داشته و در ظلم و ستم به آنان از هر طرح نقشه و توطئه ای کوتاهی نکرده‌اند. از این رو در نحوه شهادت امام حسن علیه السلام به گزارش مشهوری استناد می‌کند که بر اساس آن همسر امام حسن علیه السلام به نام جعدہ دختر اشعث بن قیس کندی در دام توطئه معاویة بن ابی سفیان گرفتار شده و حضرت را به شهادت می‌رساند. همچنین علت شهادت امام سجاد علیه السلام را کینه دیرینه هشام بن عبد الملک نسبت به آن حضرت دانسته است (قمی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۱۶۸).

۲. عینیت‌گرایی، بی‌طرفی و رعایت اعتدال:

بحث عینیت و بی‌طرفی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مباحث معرفت‌شناسی تاریخی است، که با مقوله‌های گزینش، داوری، بی‌طرفی و ارزش‌پذیری در تاریخ همراه است. منظور از عینیت این است که آراء، داوری‌ها و گزاره‌ها باید کاملاً بر مبنای موضوع مورد بررسی، هر چه باشد، شکل گیرد. صدق یا کذب آنها باید مستقل از افکار و احساسات افراد باشد (استفورد، ۱۳۸۲: ۹۳). عینیت بدین معناست که آیا مورخ در ثبت حوادث تاریخی رعایت بی‌طرفی را نموده و تاریخ را همان‌گونه که هست، نگاشته یا آن که به دلیل دخالت منافع شخصی، روایت وی حتی به صورت ناخودآگاه، روایت کاملاً واقعی نیست؟ در پاسخ به این پرسش‌ها برخی عینیت در تاریخ را پذیرفته‌اند و معتقدند با استفاده از روش علمی می‌توان به دانش یقینی دست یافت. به باور آن‌ها اگر پژوهشگر از تعصبات رهایی یابد می‌تواند واقعیت‌ها را مستقیماً درک کند. در مقابل دسته‌ای از اندیشه‌گران معتقدند که نگرش پژوهشگر برخاسته از تمایلات، مفروضات و دانسته‌های اوست. از این رو در این راه مشکلاتی وجود دارد که عینیت را در تاریخ مشکل می‌کند (استفورد، ۱۳۸۲: ۹۷-۹۳).

بررسی محتوایی آثار محدث قمی رحمته الله علیه نشان می‌دهد که وی حقیقت را از هرکس پذیرا بود. از این رو در موارد بسیاری به منابع اهل سنت مراجعه می‌کند. به عنوان نمونه در شرح حال حضرت زهرا (س) و سفارش رسول خدا (ص) درباره ایشان به روایتی که از طریق اهل سنت نقل شده استناد می‌کند و نیز به نقل از عایشه می‌نویسد که پیامبر برای حضرت فاطمه (س) احترام ویژه‌ای قائل بود و دستان آن حضرت را می‌بوسید (قمی، بی‌تا، د: ۴۱۱). چنانکه توصیه رسول گرامی درباره محبت به حسنین علیهم السلام را به نقل از منابع اهل سنت این چنین می‌نویسد:

«در جمله‌ای از کتب عامه روایت شده که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دست حسنین را گرفت و فرمود در حالی که اصحابش جمع بودند، ای قوم آن کس که مرا دوست دارد و ایشان را و پدر و مادر ایشان را دوست دارد، در قیامت با من در بهشت خواهد بود» (قمی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۶۵۵).

در نگرش تاریخی محدث قمی رحمته الله علیه، واقعیت‌گویی و پرهیز از دروغ جایگاه ارزنده‌ای

دارد. بدین جهت می‌کوشید احادیث منزّه و بدون پیرایه را گرد آورد و آنها را به دور از دروغ و پیرایه، در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد (کنگره محدث قمی، ۱۳۸۹، ب: ۱۱۲). از این رو در تألیفاتش به آثار ناگوار تحریف از جمله دروغ بستن بر خدا، پیامبر، اهل بیت عصمت و علمای دین و همچنین ورود مطالب خرافی و دروغین به دین و آموزه‌های مذهبی هشدار داده و دانشمندان دینی را به مقابله با آن برمی‌انگیزد. وی معتقد است اهمیت مطلب نباید ما را از حق و حقیقت دور سازد و ضمن هشدار به کسانی که به بهانه افزودن شور و شوق دینی در جامعه، به جعل روایت و ساخت صحنه‌های دروغین روی می‌آورند، رهنمودهایی در این باره دارد و گویندگان و نویسندگان را به استفاده از منابع معتبر و جلوگیری از راهیابی دروغ در سخنرانی‌ها و کتاب‌های مذهبی سفارش می‌کند. مؤلف به مناسبت‌های مختلف، آیات و روایاتی از حضرات معصومین علیهم‌السلام در مذمت و مفاصد دروغ، نقل می‌کند و با این که خود شیفته دین و اهل بیت است غلو و بزرگ‌نمایی را در عصر گستردگی ارتباطات، زیانبارتر می‌داند و بر پرهیز از آنچه موجب طعن دشمنان می‌شود، تأکید می‌کند. (ر.ک: قمی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۰۸۰-۱۰۶۴؛ قمی بی‌تا، م: ۴۳۱؛ قمی، ۱۳۸۳: ۱۱۰).

مسأله دیگری که بیانگر انصاف و اعتدال در تاریخ‌نگری محدث قمی است، رویکرد وی به نگارش تاریخ خلفاست. او در شرح حال خلفا با این که آنان را غاصب خلافت می‌داند (قمی، بی‌تا، س: ۳۹)، ولی هر کدام از آنان که عملکرد مثبتی در دوره حاکمیت خود داشته باشد به آن اشاره می‌کند چنانکه ناصر بالله عباسی (حک: ۶۲۲-۵۷۵) را مردی صاحب عقل و شهامت معرفی می‌کند که به سبب عدل او سرزمین‌های اسلامی آباد شد (قمی، ۱۳۸۷: ۵۷۷).

شاید بتوان گفت بارزترین نمونه حقیقت‌گویی اعتراف به اشتباه خود است. از این رو مؤلف محترم وقتی در کتاب منتهی‌الأمال (۱۳۸۷، ج ۲: ۹۷۷) روایت سهل بن سعد ساعدی را درباره ورود اسیران کربلا و سرهای شهیدان مظلوم عاشورا به شام را نقل

۱. مانند تسامح در گریاندن برای مصیبت امام حسین علیه‌السلام که محدث قمی در این باره می‌گوید: «بسا باشد که اختراع سخنی کند و خود را مشمول حدیث: من ابکی فله الجنة می‌داند، و به طول زمان همان حرف دروغ، شیوعی در تألیفات جدید پیدا کند.» ر.ک: قمی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۰۷۸.

می‌کند به اشتباهی که خود در کتاب نفس المهموم مرتکب شده اشاره کرده و می‌نویسد:
«در نفس المهموم بعد از سر حضرت عباس علیه السلام ذکر کلمه کائنه یضحک،
ظاهراً از سهو قلم است.»

محدث قمی در مقام نقد سخنان بزرگان، اعتدال و ادب رعایت می‌کند و سخت
محتاطانه گام برمی‌دارد و گاه با رمز و کنایه ابراز نظر می‌کند، تا تنها خواص آن را دریابند.
مثلاً محدث قمی رحمته الله علیه، در واکنش به آنچه مؤلف روضات الجنات^۱ درباره ابن درید نوشته
بود، می‌نویسد:

«بر فرض که ابن درید سنی باشد، لیکن تعبیر کردن جناب شما از او به «بجرو فی
قولکم، ثم إن من العجب إن شیخنا الحر العاملی ذکر مثل هذا الجرو فی عداد
علماء الشیعة» خارج از قانون ادب و بیرون از تاریخ‌نگاری است و شایسته است که
هر که کتابی می‌نویسد، به احکام و اتقان او پردازد و کلمات زشت و قبیحه در آن
ذکر ننماید و چنان نویسد که موافق و مخالف، به خواندن آن رغبت نمایند» (قمی،
۱۳۸۵، ج ۲: ۷۳۷).

با این حال از نکات مهم در تاریخ‌نگاری شیخ عباس قمی رحمته الله علیه آن است که وی
بر پایه توجه به مسائل مذهبی و اعتقادی، در پاره‌ای موارد با قلمی به نگارش و شرح
واقعه می‌پردازد که نوع آن نوشتار رویکرد موافقانه یا مخالفت جویانه او را بیان می‌کند؛
از جمله در شرح وقایع ایام خلفا وقتی به خلافت بنی امیه می‌رسد اصرار و تأکید دارد
که ولد زنا بودن آنان و کسانی که در شهادت حضرت سید الشهداء علیه السلام حضور داشتند
را به اثبات رساند و گزارش‌ها و روایات مربوط به پلیدی خاندان بنی سفیان را با حرارت
و شدت می‌نویسد (ر.ک: قمی، ۱۳۸۷: ۶۳؛ ۷۷: ۱۱۸). در مقابل هنگام پرداخت به
رویدادهای مربوط سادات حسنی که گاهگاهی اختلافاتی با سادات حسینی، به ویژه
حضرات معصومین علیهم السلام داشته‌اند با برجسته ساختن اخباری که در مدح آنان است سعی
دارد چهره‌ای مثبت از تمام سادات به یادگار گذارد (قمی، ۱۳۸۷: ۲۳۷-۲۴۰)
به همین صورت هنگامی که ماجرای لحظه‌های آخر عمر امام حسین علیه السلام را شرح

۱. سید محمد باقر خوانساری.

۲. کوچک هر چیزی را گویند. مثل بچه حیوانات، ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴: ۱۳۹.

می‌دهد روایتی از شیخ مفید رحمته الله علیه نقل می‌کند که بر اساس آن حضرت سید الشهداء علیه السلام در لحظه آخر شجاعانه از خود دفاع می‌کرد و سربازان دشمن به چپ و راست متفرق می‌شدند. شمر با مشاهده این حالت به سپاه دستور داد که حضرت را تیرباران کنند... محدث قمی رحمته الله علیه در این روایت وقتی به نام شمر می‌رسد می‌نویسد:

«شمر که خمیر مایه هر شرّ و بدی بود چون این بدید سواران را طلبید و امر کرد که در پشت پیادگان صف کشند و کمانداران را امر کرد که آن حضرت را تیرباران کنند» (قمی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۹۰۴).

این روایت در کتاب الارشاد شیخ مفید رحمته الله علیه این گونه ذکر شده است: «فلما رأى ذالك شمر بن ذى الجوشن استدعى الفرسان...» (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ب، ج ۲: ۱۱۲) بنابراین در اصل روایت، شمر به چیزی توصیف نشده و عبارت «شمر که خمیر مایه هر شرّ و بدی بود» از سوی محدث قمی رحمته الله علیه اضافه شده که بیانگر شدّت خشم نویسنده نسبت به شمر است.

و یا در تمجید از برخی حاکمان آل بویه که گرایش شیعی داشتند آورده است:

«در این روز، سنه ۳۷۲، عضدالدوله دیلمی که نام مبارکش فناخسرو است و از شیعیان با اخلاص امیر المؤمنین علیه السلام است در بغداد از دنیا درگذشت» (قمی، بی تا، د: ۱۱۹).

بدین سان با آوردن عبارت «نام مبارکش» موضع خود را نسبت به عضدالدوله نشان داده است. چنانکه درباره لحظه شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام و سخن حضرت زینب علیه السلام که عمر سعد را توبیخ می‌کرد، نوشته است:

«در این هنگام عمر سعد جوابش نداد، و به روایت طبری اشکش به صورت و ریش نحسش جاری گردید و صورت خود را از آن مخدره برگردانید...» (قمی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۹۰۵).

در حالی که محدث قمی رحمته الله علیه روایت را از طبری نقل کرده و در عبارت تاریخ طبری (فکأنی انظر الی دموع عمر و هی تسیل علی خدیبه و لحیته، قال: و صرف بوجهه عنها) کلمه «نحسش» موجود نیست (طبری، ۱۳۸۷ق، ب، ج ۵: ۴۵۲) و این مطلب نفرت شیخ عباس رحمته الله علیه را نسبت به عمر سعد نشان می‌دهد.

نتیجه

آنچه را در خصوص نگرش حاکم بر تاریخ نگاری محدث قمی می‌توان بیان کرد این است که وی نگرش کاملاً دینی (مذهبی) داشته و تاریخ را از این منظر در نظر داشته است. بدین جهت نتوانسته خود را از ساحت دینی حاکم بر بینش مسلمانان (شیعیان) خارج کند. در چنین دیدگاهی تاریخ راهنمای انسان برای آگاهی از احوال برگزیدگان و نیکان، محرک کسب فضایل و طرد رذایل، مایه عبرت آموزی و در نهایت جلب خشنودی خداوند و سعادت همیشگی است. از سوی دیگر تنوع و گوناگونی تألیفات تاریخی محدث قمی رحمته الله علیه نشان می‌دهد که او قلم را ابزاری در خدمت دین و هدایت مردم می‌دانسته. از این رو آثار فارسی وی، ساده، روان و قابل فهم برای عموم است و چون تنها هدفش رساندن مطلب بوده، توجه‌ای به آرایش عبارات و نگارش فنی نداشته است. به نظر می‌رسد جامعه دینی و علمی امروز نیز برای پیشبرد اهداف خود به همت و نگرشی همانند نگاه محدث قمی رحمته الله علیه به معارف دین، البته در قالبی جدید و روشمند نیاز دارد.

منابع و مأخذ

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵هـ. ق)، *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزه، ج ۱۲ و ۱۴.
۲. آرام، محمد باقر، (۱۳۸۶)، *اندیشه تاریخی نگاری عصر صفوی*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۳. استنفورد، مایکل، (۱۳۸۲)، *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی.
۴. بحرانی، ابن میثم، (۱۴۱۷هـ. ق)، *النجاة فی القیامة فی تحقیق امر الامامة*، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۵. تهرانی، آقا بزرگ، (۱۴۰۳هـ. ق)، *الدریعه فی تصانیف الشیعه*، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ج ۴ و ۲۵.
۶. _____، (۱۴۰۴هـ. ق)، *تقیاء البشر فی القرن الرابع عشر*، مشهد، دارالمرتضی، چاپ دوم، ج ۱.
۷. جعفریان، رسول، (۱۳۸۴)، «*تشیع و تاریخ نگاری*» *مندرج در حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، قم، انصاریان، چاپ هشتم.
۸. _____، (۱۳۷۹)، *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*. قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۱.
۹. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۹)، *محدث ربانی* (مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت محدث قمی)، قم، کنگره بزرگداشت محدث قمی، ج ۱ و ۲.
۱۰. حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۱هـ. ق)، *نهج الحق و کشف الصدق*، تقدیم سید رضا صدر، قم، دارالهجره.
۱۱. خانجانی، قاسم، (۱۳۹۲)، *شیخ مفید و تاریخ نگاری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. دوانی، علی، (۱۳۷۹)، *مفاخر اسلام*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ج ۱۱.
۱۳. شریف مرتضی، علی بن الحسین، (۱۴۱۰هـ. ق)، *الشافی فی الامامة*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ج ۱.

۱۴. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۴ھ. ق. ب)، *الارشاد فی معرفۃ حجج اللہ علی العباد*، تحقیق مؤسسہ آل البيت علیہ السلام، بیروت، دارالمفید، ج ۲.
۱۵. _____، (۱۴۱۴ھ. ق. الف)، *تصحیح الاعتقادات* تحقیق حسین درگاہی، بیروت دارالمفید، چاپ دوم.
۱۶. صفری فروشانی، نعمت اللہ، تابستان (۱۳۸۶)، «شیخ مفید و تاریخ نگاری او در کتاب *الارشاد*»، فصلنامه علمی. تخصصی شیعه شناسی، قم مؤسسہ شیعه شناسی، سال پنجم، شماره ۱۸.
۱۷. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، (۱۳۸۶ھ. ق.)، *الاحتجاج*، تحقیق و ملاحظات سید محمد باقر الخراسان، نجف، دارالنعمان، ج ۲.
۱۸. طبری، محمد بن جریر بن یزید، (۱۳۸۷ھ. ق.)، *تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، چاپ دوم، ج ۵.
۱۹. _____، (۱۴۱۵ھ. ق.)، *جامع البیان*، بیروت، دارالفکر، ج ۱.
۲۰. قمی، شیخ عباس، (۱۴۱۷ھ. ق.)، *الانوار البهیة فی تواریخ الحجج البهیة*، قم، مؤسسہ نشر اسلامی (جامعہ مدرسین حوزه علمیہ قم).
۲۱. _____، (بی تا، ب)، *رسالہ الفصول العلیہ در بیان مناقب و فضائل امیر المؤمنین علیہ السلام*، نرم افزار مجموعه آثار محدث قمی.
۲۲. _____، (۱۳۸۵)، *الفوائد الرضویہ*، تحقیق، ناصر باقری بیدہندی، قم، بوستان کتاب، ج ۱ و ۲.
۲۳. _____، (۱۳۸۷)، *تمتہ المنتہی فی وقایع ایام الخلفا*، تحقیق، ناصر باقری بیدہندی، قم، دلیل ما، چاپ دوم.
۲۴. _____، (بی تا، س)، *رسالہ سبیل الرشاد فی اصول الدین*، تصحیح عبداللہ غفرانی، نرم افزار مجموعه آثار محدث قمی.
۲۵. _____، (بی تا، م)، *مفاتیح الجنان*، قم، نشر اسوہ.
۲۶. _____، (۱۳۸۷)، *منتہی الآمال*، تحقیق، ناصر باقری بیدہندی، قم، دلیل ما، ج ۱ و ۲.
۲۷. _____، (بی تا، ن)، *نفس المهموم فی مصیبتہ سیدنا الحسین المظلوم*، نشر مکتبۃ الحیدریہ.

۲۸. ———، (بی تا، د)، *هدایه الانام الی وقایع الایام*، نرم افزار مجموعه آثار محدث قمی.
۲۹. ———، (بی تا، ز)، *هدیه الزائرین و بیجته الناظرین*، نرم افزار مجموعه آثار محدث قمی.
۳۰. کنگره محدث قمی، (۱۳۸۹ ب)، *شناخت نامه محدث قمی*، قم، نور مطاف (نرم افزار مجموعه آثار محدث قمی).
۳۱. ———، (۱۳۸۹ الف)، *محدث ربانی*، قم، نور مطاف، ج ۱.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ هـ. ق)، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ج ۲۷.
۳۳. مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا)، *البدء والتاریخ*، مکتبه الثقافة الدینیة، ج ۲.
۳۴. هزار، علیرضا، (۱۳۸۴)، *دانشوران قم*، قم، زائر. آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام.
۳۵. واسعی، سید علی رضا، (تابستان ۱۳۹۰)، *غایت مندی تاریخ*، فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام، قم، دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۴۰.